



بهای خدمات درمانی مهین ضربی نیا برای همسایه ها، تنها یک صلوات است

میراث طیبانه پدر

● می گویند دستم سبک است

مهین خانم با خنده می گوید: جوراب هایم را هم با کوک بخیه می دوزم؛ هم مروری بر آموخته هایم می شود، هم تمیزتر است و خیلی هم معلوم نمی شود که پاره شده.

او ادامه می دهد: به خانه کسی نمی روم مگر اینکه او را بشناسم. در خانه ام به روی دوست و آشنا باز است، اما بیشتر تزریقات در مسجد انجام می شود. همه می گویند دستم سبک است. هر وقت ببینم یک نفر آرام به کنارم می آید و می خواهد حرفی بزند، حدس می زنم برای تزریقات باشد که البته بیشتر اوقات حدسم درست است.

او خاطرات بسیاری از این ۲۸ ساله دارد که ساکن محله ارشاد شده است. خانمی را به یاد دارد که باید صد آمپول تزریق می کرد و هر روز صبح حدود ساعت ۷ به خانه آن ها می آمد. مهین خانم می گوید: خانواده ام در این کارها همیشه همراه من بوده اند، چون می دانند این کار خیراتی برای پدرم است. چند بار به همسر همان خانم پیشنهاد کردم تزریق را یاد بگیرد، اما او قبول نکرد و می گفت «دست شما سبک است و همسرم فقط کار شما را قبول دارد».

در کنار این مهارت، چیزی که بیشتر از همه در رفتار مهین ضربی نیا به چشم می آید، صبر و حوصله اوست. خودش از بیماری معلول یاد می کند که هر بار پیش از تزریق با خنده به او می گوید: ضربی جان! صبر کن لرزش من تمام شود، بعد آمپول را بزنی. من هم می نشینم تا او آرام شود و بعد کارم را انجام می دهم».

در سال های دور و پرحادثه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دارد.

او تعریف می کند: پدرم، مرحوم دکتر عباس ضربی نیا، در روزهای پراشتاب انقلاب، مجروحان را مداوا می کرد. میان آسیب دیدگان، زنانی هم بودند که باید مداوا می شدند. به خاطر تعداد بیماران و شرایطی که پدرم رعایت میکرد، رسیدگی به خانم ها را به من که دختر بزرگش بودم، سپرده بود. آن زمان نوزده سال داشتم و تازه دیپلم گرفته بودم. تزریقات، بخیه و حتی کارهای مربوط به شکسته بندی را به من یاد داد و من همه این کارها را انجام می دادم.



صفائی آگاهی برای پیدا کردن آدم های کار راه انداز، نیازی نیست راه دوری برویم؛ کافی است دوروبر خودمان را ببینیم تا به یکی از این آدم ها برسیم. مهین ضربی نیا، این روزها برای بسیاری از اهالی محله ارشاد چهره ای آشناست: زنی خوش برخورد و آرام که بیشتر اهالی او را با مهارتش در زمینه تزریقات و رو حیه خیر خواهانه اش می شناسند.

هر وقت یکی از خانم های محله به تزریق، سرم، بخیه یا باند پیچی نیاز داشته باشد، معمولاً سراغ مهین خانم را می گیرد. او هم با صبوری و بدون هیچ چشمداشتی، کار مردم را راه می اندازد. در روزگاری که هر خدمتی بهایی دارد، بهای دست های سبک مهین خانم، پول یا هدیه نیست. نرخ کار او، تنها و تنها یک صلوات برای شادی روح پدر مرحومش است.

● میراث ماندگار پدر برای من

بیشتر اهالی می دانند مهین خانم برای نماز به مسجد هجرت می رود. برای همین گاهی خانم های محله آمپول و سرنگ به دست، سراغش را همان جامی گیرند و از او می خواهند کارشان را انجام دهد. او هم بی گلایه و با حوصله، در گوشه ای از مسجد، به هم محله ای هایش کمک می کند.

داستان دست به خیری و مهارت مهین خانم در زمینه تزریقات، بخیه و حتی کمک به شکسته بندی، ریشه

دختران محله آیت... عبادی هیئت خودشان را راه انداختند

خودشناسی

نقطه پرواز نوجوانان محله



عیدگاه

دیدارهای دوستانه در فضایی امن در کارگاه های خودشناسی شرکت کنند و کنار آن بازنگری آئمه^(ع) و شهدا آشنا شوند. علاوه بر این، برگزاری اردوهای آموزشی و تفریحی از دیگر برنامه های این هیئت است.

● خودشناسی، نیاز نوجوانان امروز

محدثه محمدپور، معاون آموزشی دبیرستان دخترانه محدثه و مسئول هیئت حدّاث الحسین^(ع)، باور دارد که نوجوان بیش از هر چیز به شناخت هویت خود نیاز دارد و می گوید: این هیئت به درخواست دختران دبیرستانی محله شکل گرفت و حالا از محلات مختلف عضو دارد. دانش آموزانی که قیلا در اعتکاف شرکت کردند، برای این جلسه، تعدادی از دوستانشان را همراه خود آورده اند. او ادامه می دهد: بنای این هیئت بر خودشناسی است. تلاش کرده ایم اگر حتی فقط یک نوجوان در یک جلسه شرکت کرد، همان یک جلسه بتواند برایش سؤال ایجاد کرده و او را به مسیر شناخت از خودش هدایت کند. علاوه بر این در کنار آموزش، نوجوان باید شور حضور در هیئت، کار جمعی و عزاداری را نیز تجربه کند تا ارتباطی عمیق تر با این فضا برقرار کند.

● هیئتی که به محله جان می دهد

غزاله اسدی، یکی از نوجوانان شرکت کننده در این مراسم، می گوید:

صدرا صدای نوحه که در حسینیه مسجد غدیر بابا علی می پیچد، حلقه دختران نوجوان هر لحظه منسجم تر می شود. چند دقیقه قبل، همین دخترها روی زمین نشسته بودند و درباره عزت نفس، آینده و نقش خود در جامعه گفت و گو می کردند؛ حالا شانه به شانه هم در مراسم افتتاحیه هیئت دخترانه «حدّاث الحسین^(ع)» برای شهادت حضرت رقیه^(ص) سینه می زنند. هیئت دخترانه حدّاث الحسین^(ع) فقط محلی برای عزاداری نیست؛ جایی است که دختران دوازده تا هجده ساله، قدم به قدم، خودشان را بهتر می شناسند و برای آینده شان، مسیر درست زندگی را ترسیم می کنند.

● هیئتی که با مطالبه نوجوانان شکل گرفت

اکثرشان دانش آموزان متوسطه اول و دوم دبیرستان های محله آیت... عبادی هستند. سرتاسر سالن نشسته اند و امروز آمده اند که در اولین جلسه هیئت دخترانه «حدّاث الحسین^(ع)» حضور پیدا کنند و اگر خواستند، راهشان را با این هیئت ادامه دهند.

مهناز امیری، مسئول کانون هیئت «دختران طوبی»، می گوید: پیش از این برای گروه سنی نوجوان در ایام اعتکاف سه روز مراسم برگزار می کردیم. استقبال خوب دانش آموزان دبیرستانی و درخواست آن ها برای تشکیل این دوره می باعث شد که به فکر تأسیس هیئت «حدّاث الحسین^(ع)» بیفتیم. هدف این بود که دختران، علاوه بر

کارگاه های آموزشی هیئت به ویژه در سن نوجوانی کمک فراوان به خودسازی می کنند. مثلاً امروز در همین جلسه، استاد سؤالاتی پرسید که ما را با خودمان روبه رو کرد. سؤالاتی بود که شاید همیشه به سادگی از کنار آن رد می شدیم، ولی حالا درباره اش فکر می کنم و دنبال پاسخش هستم.

غزاله ادامه می دهد: فعالیت ما به جلسات هفتگی محدود نمی شود. برایایی موبک در میدان شهدا، مشارکت در ویژه برنامه های شهادت امام رضا^(ع) و مناسبت های مذهبی، شناسایی خانواده های نیازمند و کمک رسانی به آن ها، بخشی از فعالیت هایی است که قرار است کنار هم انجام می دهیم و کار گروهی را یاد بگیریم.

فاطمه فولاد هجده ساله با معرفی یکی از دوستانش به این جمع اضافه شده است. او می گوید: مسئولان هیئت را از قبل می شناختم و می دانستم استاد های خوبی دعوت می کنند. تجربه اعتکاف سال گذشته باعث شد مطمئن باشم از این جلسات با نگاهی تازه ای بیرون می آیم. ضمن اینکه دوست داشتم فضای یک هیئت دخترانه را هم تجربه کنم.